

بسم الله الرحمن الرحيم

امام خمینی در اولین ساعات بازگشت به وطن پس از پانزده سال تبعید در روز دوازدهم بهمن ماه با حضور در بهشت زهرا به ایراد سخنرانی در جمع مردم مشتاقی پرداختند که از شب پیش و ساعات اولیه پامداد در محل بهشت زهرا تجمع کرده بودند. امام در این سخنرانی تاریخی از غیر قانونی بودن مجلس و دولت منصوب شاه و مفسد رژیم سخن گفتند. متن کامل سخنان حضرت امام به شرح زیر است:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

تشکر و تسلیت

ما در این مدت مصیبت ها دیدیم؛ مصیبت های بسیار بزرگ. و بعض پیروزی ها حاصل شد که البته آن هم بزرگ بود. مصیبت های زن های جوان مرده، مردهای اولاد از دست داده، طفل های پدر از دست داده. من وقتی چشمم به بعضی از اینها که اولاد خودشان را از دست داده اند می افتد، سنگینی در دوشم پیدا می شود که نمی توانم تاب بیاورم. من نمی توانم از عهده این خسارات که بر ملت ما وارد شده است برآیم. من نمی توانم تشکر از این ملت بکنم که همه چیز خودش را در راه خدا داد. خدای تبارک و تعالی باید به آنها اجر عنایت فرماید. من به مادرهای فرزندان از دست داده تسلیت عرض می کنم و در غم آنها شریک هستم. من به پدرهای جوان داده، من به آنها تسلیت عرض می کنم. من به جوانهایی که پدرانشان را در این مدت از دست داده اند تسلیت عرض می کنم.

رژیم سلطنتی مغایر عقل و قانون

خوب، ما حساب بکنیم که این مصیبت ها برای چه به این ملت وارد شد. مگر این ملت چه می گفت و چه می گوید که از آن وقتی که صدای ملت درآمده است تا حالا قتل و ظلم و غارت و همه اینها ادامه دارد. ملت ما چه می گفتند که مستحق این عقوبات شدند. ملت ما یک مطلبش این بود که این سلطنت پهلوی از اول که پایه گذاری شد بر خلاف قوانین بود. آنهایی که در سن من هستند می دانند و دیده اند که مجلس مؤسسان که تأسیس شد، با سرنیزه تأسیس شد. ملت هیچ دخالت نداشت در مجلس مؤسسان. مجلس مؤسسان را با زور سرنیزه تأسیس کردند، و با زور وکلای آن را وادار کردند به اینکه به رضا شاه رأی سلطنت بدهند. پس این سلطنت از اول یک امر باطلی بود؛ بلکه اصل رژیم سلطنتی از اول خلاف قانون و خلاف قواعد عقلی است و خلاف حقوق بشر است. برای اینکه ما فرض می کنیم که یک ملتی تمامشان رأی دادند که یک نفری سلطان باشد؛ بسیار خوب، اینها از باب اینکه مسلط بر سرنوشت خودشان هستند و مختار به سرنوشت خودشان هستند، رأی آنها برای آنها قابل عمل است. لکن اگر یک ملتی رأی دادند- و لو تمامشان- به اینکه اعقاب این سلطان هم سلطان باشد، این به چه حقی [است؟] ملت پنجاه سال پیش از این، سرنوشت ملت بعد را معین می کند؟ سرنوشت هر ملتی به دست خودش است. ما در زمان سابق- فرض بفرمایید که زمان اول قاجاریه- نبودیم؛ اگر فرض کنیم که سلطنت قاجاریه به واسطه یک رفراندومی تحقق پیدا کرد و همه ملت هم- ما فرض کنیم که- رأی مثبت دادند اما رأی مثبت دادند بر آغا محمد خان قَجر و آن سلاطینی که بعدها می آیند؛ در زمانی که ما بودیم و زمان سلطنت احمد شاه بود، هیچ یک از ما زمان آغا محمد خان را ادراک نکرده؛ آن اجداد ما که رأی دادند برای سلطنت قاجاریه، به چه حقی رأی دادند که زمان ما احمد شاه سلطان باشد؟ سرنوشت هر ملت دست خودش است.

رژیم پهلوی، تحمیلی و غیر قانونی

ملت در صد سال پیش از این، صد و پنجاه سال پیش از این ملتی بوده، یک سرنوشتی داشته است و اختیاری داشته ولی او اختیار ما را نداشته است که سلطانی را بر ما مسلط کند. ما فرض می کنیم که این سلطنت پهلوی، اول که تأسیس شد ما فرض می کنیم که به اختیار مردم بود و مجلس مؤسسان را هم به اختیار مردم تأسیس کردند، این اسباب این می شود که بر فرض اینکه این امر باطل صحیح باشد- فقط رضا خان سلطان باشد؛ آن هم بر آن اشخاصی که در آن زمان بودند. و اما محمد رضا سلطان باشد بر این جمعیتی که الان بیشترشان- بلکه الا بعض کم، بعض قلیلی از آنها- ادراک آن وقت را نکرده اند، چه حقی داشتند ملت در آن زمان سرنوشت ما را در این زمان معین کنند؟ بنا بر این سلطنت محمد رضا اولاً که چون سلطنت پدرش خلاف قانون بود و با زور و با سرنیزه تأسیس شده بود، مجلس غیر قانونی است، پس سلطنت محمد رضا هم غیر قانونی است. و اگر سلطنت رضا شاه فرض بکنیم که قانونی بوده، چه حقی آنها داشتند که برای ما سرنوشت معین کند؟ هر کسی سرنوشتش با خودش است. مگر پدرهای ما ولی ما هستند؟ مگر آن اشخاصی که در صد سال پیش از این، هشتاد سال پیش از این بودند، می توانند سرنوشت ملتی را که بعدها وجود پیدا می کنند آنها تعیین بکنند؟ این هم یک دلیل که سلطنت محمد رضا سلطنت قانونی نیست. علاوه بر این، این سلطنتی که در آن وقت درست کرده بودند و مجلس مؤسسان هم ما فرض کنیم که صحیح بوده است، این ملتی که سرنوشت خودش با خودش باید باشد در این زمان می گوید که ما نمی خواهیم این سلطان را. وقتی که اینها رأی دادند به اینکه ما سلطنت رضا شاه را، سلطنت محمد رضا شاه را، رژیم سلطنتی را نمی خواهیم، سرنوشت اینها با خودشان است. این هم یک راه است از برای اینکه سلطنت او باطل است.

دولتهای دست نشانده و مجالس فرمایشی

حالا می آییم سراغ دولت هایی که ناشی شده از سلطنت محمد رضا و مجلس هایی که ما داریم. در تمام طول مشروطیت- الا بعض از زمانها آن هم نسبت به بعض از وکلا- مردم دخالت نداشتند در تعیین وکلا! شما الان اطلاع دارید که در این مجلسی که حالا هست- چه مجلس شورا و چه مجلس سنا- و شما ملت ایران هستید، شما ملتی هستید که در تهران سکنی دارید، من از شما مردم تهران سؤال می کنم که آیا این وکلایی که در مجلس هستند- چه در مجلس سنا و چه در مجلس شورا- شما اطلاع داشتید که اینها را خودتان تعیین کنید؟ اکثر این مردم می شناسند این افرادی را که به عنوان وکیل مجلس سنا یا مجلس شورا در مجلس هستند یا این هم با زور تعیین شده بدون اطلاع مردم؟ مجلسی که بدون اطلاع مردم است و بدون رضایت مردم است، این مجلس مجلس غیر قانونی است. بنا بر این اینهایی که در مجلس نشسته اند و مال ملت را گرفته اند به عنوان اینکه حقوق هر ... وکیلی این قدر است، این حقوق را حق نداشتند بگیرند و ضامن هستند. آنهایی هم که در مجلس سنا هستند، آنها هم حق نداشتند و ضامن هستند.

و اما دولتی که ناشی می شود از یک شاهی که خودش و پدرش غیر قانونی است، خودش علاوه بر او غیر قانونی است، وکلایی که تعیین کرده است غیر قانونی است، دولتی که از همچو مجلسی و همچو سلطانی انشا بشود، این دولت غیر قانونی است. این ملت حرفی را که داشتند در زمان محمد رضا خان می گفتند که این سلطنت را ما نمی خواهیم و سرنوشت ما با خود ماست، حالا هم می گویند که ما این وکلا را غیر قانونی می دانیم، این مجلس سنا را غیر قانونی می دانیم، این دولت را غیر قانونی می دانیم. آیا کسی که خودش از ناحیه مجلس، از ناحیه مجلس سنا، از ناحیه شاه منصوب است، و همه آنها غیر قانونی هستند، می شود که قانونی باشد؟ ما می گوییم که شما غیر قانونی هستید باید بروید. ما اعلام می کنیم که الان دولتی که به اسم دولت قانونی خودش را معرفی می کند، حتی خودش قبول ندارد که قانونی است! خودش تا چند سال پیش از این، تا آن وقتی که دستش نیامده بود این وزارت، قبول داشت که غیر قانونی است؛ حالا چه شده است که می گوید من قانونی هستم؟! این مجلس غیر قانونی است؛ از خود وکلا بپرسید که آیا شما را ملت تعیین کرده است؟ هر کدام ادعا کردند که ملت تعیین کرده است، ما دستشان را می دهیم دست یک نفر آدم ببرد او را در حوزه انتخابیه اش، در حوزه انتخابیه از مردم سؤال می کنیم که این آقا آیا وکیل شما هست؟ شما او را تعیین کردید؟ حتماً بدانید که جواب آنها نفی است. بنا بر این آیا ملتی که فریاد می کند که ما این دولتمان، این شاهمان، این مجلسمان بر خلاف قوانین است، و حق شرعی و حق قانونی و حق بشری ما این است که سرنوشتمان دست خودمان باشد، آیا حق این ملت این است که یک قبرستان شهید برای ما درست بکنند در تهران، یک قبرستان هم در جاهای دیگر؟

فساد و ویرانی به نام اصلاح و ترقی

من باید عرض کنم که محمد رضای پهلوی، این خائن خبیث ... رفت، فرار کرد و همه چیز ما را به باد داد. مملکت ما را خراب کرد، قبرستان های ما را آباد کرد. مملکت ما را از ناحیه اقتصاد خراب کرد. تمام اقتصاد ما الآن خراب است و از هم ریخته است؛ که اگر بخواهیم ما این اقتصاد را به حال اول برگردانیم، سالهای طولانی با همت همه مردم، نه یک دولت این کار را می تواند بکند و نه یک قشر از اقشار مردم این کار را می توانند بکنند، تا تمام مردم دست به دست هم ندهند نمی توانند این به هم ریختگی اقتصاد را از بین ببرند. شما ملاحظه کنید به اسم اینکه ما می خواهیم زراعت را، دهقانها را دهقان کنیم، تا حالا رعیت بودند و ما می خواهیم حالا دهقانشان کنیم! «اصلاحات ارضی» درست کردند. اصلاحات ارضی شان بعد از این مدت طولانی به اینجا منتهی شد که بکلی دهقانی از بین رفت، بکلی زراعت ما از بین رفت، و الآن شما در همه چیز محتاجید به خارج. یعنی محمد رضا این کار را کرد تا بازار درست کند از برای امریکا و ما محتاج به او باشیم در اینکه گندم از او بیاوریم، برنج از او بیاوریم، همه چیز را. تخم مرغ از او بیاوریم، یا از اسرائیل که دست نشانده امریکاست بیاوریم.

بنا بر این کارهایی که این آدم کرده به عنوان «اصلاح»، این کارها خودش افساد بوده است! قضیه «اصلاحات ارضی» یک لطمه ای بر مملکت ما وارد کرده است که تا شاید بیست سال دیگر ما نتوانیم این را جبران بکنیم؛ مگر همه ملت دست به هم بدهند و کمک کنند تا سال هایی بگذرد و جبران بشود این معنا. فرهنگ ما را یک فرهنگ عقب نگه داشته درست کرده است. فرهنگ ما را این [شاه] عقب نگه داشته به طوری که الآن جوان های ما تحصیلاتشان در اینجا تحصیلات تاج تمام نیست و باید بعد از اینکه یک مدتی در اینجا یک نیمه تحصیلی کردند، آن هم با این مصیبت ها، آن هم با این [فشار] ها، باید بروند در خارج تحصیل بکنند. ما پنجاه سال است، بیشتر از پنجاه سال است دانشگاه داریم و قریب سی و چند سال است که این دانشگاه را داریم؛ لکن چون خیانت شده است به ما، از این جهت رشد نکرده؛ رشد انسانی ندارد. تمام انسان ها و نیروی انسانی ما را از بین برده است این آدم.

این آدم به واسطه نوکری که داشته، مراکز فحشا درست کرده. تلویزیونش مرکز فحشاست، رادیوش- بسیاری اش- فحشاست. مراکزی که اجازه دادند برای اینکه باز باشد، مراکز فحشاست. اینها دست به دست هم دادند. در تهران مرکز مشروب فروشی بیشتر از کتاب فروشی است، مراکز فساد دیگر الی ما شاء الله است. برای چه؟ سینمای ما مرکز فحشاست. ما با سینما مخالف نیستیم، ما با مرکز فحشا مخالفیم. ما با رادیو مخالف نیستیم، ما با فحشا مخالفیم. ما با تلویزیون مخالف نیستیم، ما با آن چیزی که در خدمت اجانب برای عقب نگه داشتن جوانان ما و از دست دادن نیروی انسانی ماست، با آن مخالف هستیم. ما کج مخالفت کردیم با تجدد؟ با مراتب تجدد؟ مظاهر تجدد وقتی که از اروپا پایش را در شرق گذاشت- خصوصاً در ایران- مرکز [عظیمی] که باید از آن استفاده تمدن بکنند ما را به توحش کشانده است. سینما یکی از مظاهر تمدن است که باید در خدمت این مردم، در خدمت تربیت این مردم باشد؛ و شما می دانید که جوانهای ما را اینها به تباهی کشیده اند. و همین طور سایر این [مراکز]. ما با اینها در این جهات مخالف هستیم. اینها به همه معنا خیانت کرده اند به مملکت ما.

فریاد از دست شاه و امریکا

و اما نفت ما. تمام نفت ما را به غیر دادند! به امریکا و غیر از امریکا دادند. آنی که به امریکا دادند عوض چه گرفتند؟ عوض، یک اسلحه هایی برای پایگاه درست کردن برای آقای امریکا! ما هم نفت دادیم و هم پایگاه برای آنها درست کردیم! امریکا با این حيله، که این مرد «۱» هم دخالت داشت، با این حيله نفت را از ما [ربود] و برای خودش در عوض، پایگاه درست کرد. یعنی اسلحه هایی آورده اینجا که ارتش ما نمی تواند این اسلحه را استعمال بکند؛ باید مستشارهای آنها باشند، باید کارشناس های آنها باشند. این هم از ناحیه نفت، که این نفت ما را اگر چند سال دیگر- خدای نخواست- این [شخص] عمر پیدا کرده بود، عمر سلطنتی پیدا کرده بود، مخازن نفت ما را تمام کرده بود، زراعتمان را هم که تمام کرده، این ملت بکلی ساقط شده بود و باید عملگی کند برای اغیار. ما که فریاد می کنیم از دست این، برای این خون های جوان های ما برای این جهات ریخته شده؛ برای اینکه آزادی می خواهیم ما. ما پنجاه سال است که در اختناق به سر بردیم.

نه مطبوعات داشتیم، نه رادیو صحیح داشتیم، نه تلویزیون صحیح داشتیم؛ نه خطیب می توانست حرف بزند، نه اهل منبر می توانستند حرف بزنند، نه امام جماعت می توانست آزاد کار خودش را ادامه بدهد؛ نه هیچ یک از اقشار ملت کارشان را می توانستند ادامه بدهند. و در زمان ایشان هم همین اختناق به طریق بالاتر باقی است و باقی بود. و الآن هم باز نیمه حشاشه او که باقی است، نیمه حشاشه این اختناق هم باقی است. ما می گوئیم که خود آن آدم، دولت آن آدم، مجلس آن آدم- تمام اینها غیر قانونی است و اگر ادامه به این بدهند، اینها مجرمند و باید محاکمه بشوند، و ما آنها را محاکمه می کنیم.

تعیین دولت با پشتیبانی ملت

من دولت تعیین می کنم! من تو دهن این دولت می زنم! من دولت تعیین می کنم! من به پشتیبانی این ملت دولت تعیین می کنم! من به واسطه اینکه ملت مرا قبول دارد... این آقا که خودش هم خودش را قبول ندارد! رفقای شما هم قبولش ندارند، ملت هم قبولش ندارد، ارتش هم قبولش ندارد؛ فقط آمریکا از این پشتیبانی کرده و فرستاده، به ارتش دستور داده که از این پشتیبانی بکنید؛ انگلیس هم از این پشتیبانی کرده و گفته است که باید از این پشتیبانی بکنید. یک نفر آدمی که نه ملت قبولش دارد، نه هیچ یک از طبقات ملت از هر جا بگوئید قبولش ندارند، بلکه چند تا از اشرار را دارند که می آورند توی خیابانها! از خودشان هست این اشرار، فریاد هم می کنند، از این حرفها هم می زنند. لکن ملت این است، این ملت است.

می گوید که در یک مملکت که دو تا دولت نمی شود! خوب، واضح است این؛ یک مملکت دو تا دولت ندارد لکن دولت غیر قانونی باید برود. تو غیر قانونی هستی! دولتی که ما می گوئیم، دولتی است که متکی به آرای ملت است؛ متکی به حکم خداست. تو باید یا خدا را انکار کنی یا ملت را! باید سر جایش بنشیند این آدم! و یا اینکه به امر آمریکا و اینها وادار کند یک دست های از اشرار، این ملت را قتل عام کند.

هشدار به ملت ایران

ما تا هستیم نمی گذاریم اینها سلطه پیدا کنند. ما نمی گذاریم دوباره اعاده بشود آن حیثیت سابق و آن ظلمه ای سابق. ما نخواهیم گذاشت که محمد رضا برگردد. اینها می خواهند او را برگردانند. بیدار باشید! ای مردم، بیدار باشید! نقشه دارند می کشند. ستاد درست کرده مردم که در آن جایی که هستش؛ روابط دارند درست می کنند. می خواهند دوباره ما را برگردانند به آن عهدی که همه چیزمان اختناق در اختناق باشد، و همه هستی ما به کام آمریکا برود. ما نخواهیم گذاشت؛ تا جان داریم نخواهیم گذاشت.

و من از خدای تبارک و تعالی سلامت همه شما را خواستار هستم. و من عرض می کنم بر همه ما واجب است که این نهضت را ادامه بدهیم تا آن وقتی که اینها ساقط بشوند؛ و ما به واسطه آرای مردم، مجلس سنا درست بکنیم؛ و دولت اول را- دولت دائمی را- تعیین بکنیم.

اندرز و اتمام حجت به ارتش

و من باید یک نصیحت به ارتش بکنم و یک تشکر از یک ارکان ارتش، یک قشرهایی از ارتش. اما آن نصیحتی که می کنم این است که ما می خواهیم که شما مستقل باشید. ما داریم زحمت می کشیم، ما خون دادیم، ما جوان دادیم، ما حیثیت و آبرو دادیم، مشایخ ما حبس رفتند، زجر کشیدند، می خواهیم که ارتش ما مستقل باشد. آقای ارتشبد، شما نمی خواهید، آقای سرلشکر، شما نمی خواهید مستقل باشید؟ شما می خواهید نوکر باشید؟! من به شما نصیحت می کنم که بیایید در آغوش ملت؛ همان که ملت می گوید بگوئید. بگوئید ما باید مستقل باشیم. ملت می گوید ارتش باید مستقل باشد، ارتش نباید زیر فرمان مستشارهای آمریکا و اجنبی باشد؛ شما هم بیایید- ما برای خاطر شما این حرف را می زنیم- شما هم بیایید برای خاطر خودتان این حرف را بزنید، بگوئید: ما می خواهیم مستقل باشیم، ما نمی خواهیم این مستشارها باشند. ما که این حرف را می زنیم که ارتش باید مستقل باشد، جزای ما این است که بریزید توی خیابان، خون جوان های ما را بریزید که چرا می گوئید من باید مستقل باشم! ما می خواهیم تو آقا باشی.

قدرشناسی از نظامیان پیوسته به ملت

و اما تشکر می کنم از این قشرهایی که متصل شدند به ملت. اینها آبروی خودشان را، آبروی کشورشان را، آبروی ملتشان را، اینها حفظ کردند. این درجه دارها، همافرها، افسرهای نیروی هوایی- اینها همه مورد تشکر و تمجید ما هستند؛ و همین طور آنهایی که در اصفهان و در همدان و در سایر جاها اینها تکلیف شرعی، ملی، کشوری خودشان را دانستند و به ملت ملحق شدند و پشتیبانی از نهضت اسلامی ملت کردند. ما از آنها تشکر می کنیم و به اینهایی که متصل نشدند می گوئیم که متصل بشوید به اینها. اسلام برای شما بهتر از کفر است؛ ملت برای شما بهتر از اجنبی است. ما برای شما می گوئیم این مطلب را، شما هم برای خودتان این کار را بکنید. رها بکنید این را. خیال نکنید که اگر رها کردید، ما می آییم شما را به دار می زنیم! این چیزهایی است که شماها یا کسان دیگر درست کرده اند؛ و آلا این همافرها و این درجه دارها و این افسرها که آمدند و متصل شدند، ما با کمال عزت و سعادت آنها را حفظ می کنیم. و ما می خواهیم که مملکت مملکت قوی باشد. ما می خواهیم که مملکت دارای یک نظام قدرتمند باشد. ما نمی خواهیم نظام را به هم بزنیم. ما می خواهیم نظام محفوظ باشد لکن نظام ناشی از ملت در خدمت ملت؛ نه نظامی که دیگران سرپرستی اش بکنند و دیگران فرمان به آن بدهند.

مقصود من از مجلس «سنا» مجلس «مؤسسان» بود نه مجلس سنا. مجلس سنا اصلش یک حرف مزخرفی است! همیشه بوده!

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

(صحیفه امام، ج ۶، ص: ۱۰-۱۹)

.انتهای پیام* /

<https://noas.ir>